

وهابی‌ها و تبرک به قبر پیامبر اکرم

## وهابی‌ها و تبرک به قبر پیامبر اکرم

از جمله اموری که در آن وهابی‌ها به مسلمانان (خصوصاً شیعیان) حساس هستند موضوع تبرک و آداب روضه منوره و حرم پیامبر می باشد. وهابیون دست کشیدن به قبور و طواف قبور را مانند کارهای دوران جاهلیت می دانند که برای بت ها انجام می شد. در مقابل این شباهت و توهمات مسلمانان و شیعیان نیز پاسخ هایی را داده اند که در ادامه این نوشتار اشکالات وهابی ها و پاسخ مسلمانان نقد و بررسی می شود.

### وهابی‌ها و تبرک به قبر پیامبر اکرم

از جمله مواردی که وهابی ها به مسلمانان، علی الخصوص شیعیان ایراد می گیرند و نسبت به آن حساس هستند، آداب روضه منوره و حرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از هنگام ورود به حرم، کیفیت ایستادن، تبرک جستن به قبر و یا ستون ها، منبر و .. می باشد. صنعانی که از وهابیون می باشد می گوید: طواف قبور و تبرک و دست کشیدن یا لمس اعضای دیگر به قبور پیامبر و اهل بیت شرک است و این اعمال، مانند افعال جاهلیت برای بت ها می باشد.<sup>1</sup>

وهابی ها در نامه ای که به «شیخ الرکب المغربی» نوشتند، بیان کرده اند که: تعظیم قبور انبیاء و اولیاء از موارد شرک و عبادت بت ها محسوب می شود.<sup>2</sup> برای پاسخ به این شبهه و اتهام وارده به مسلمانان، علی الخصوص شیعیان ذکر چند نکته لازم است: 1- تعظیم و احترام به قبور انبیاء و اولیاء از مصادیق بزرگداشت و تعظیم شعائر الهی است: «و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب»؛ و هر کس شعائر الهی را بزرگ شمارد، همانا که آن از پرهیزگاری دل هاست.<sup>3</sup>

هیچ دلیلی بر تحریم تعظیم قبور وجود ندارد. مگر این که برخی اعمال در آنجا انجام شود و نیت عبادت بر آن حمل شود مانند: سجده بر قبور، نماز خواندن بر آنها و هر نوع احترامی که به قصد عبادت باشد نه صرفاً احترام و محبت.

2- باید به این نکته توجه داشت که هر تعظیم و خضوعی عبادت نیست و موجب شرک نمی شود و حرام نیست.

هیچ دلیلی بر تحریم تعظیم قبور انبیا و اولیا وجود ندارد. مگر این که برخی اعمال در آنجا انجام شود و نیت عبادت بر آن حمل شود مانند: سجده بر قبور، نماز خواندن بر آنها و هر نوع احترامی که به قصد عبادت باشد نه صرفاً احترام و محبت. بلکه آن خضوع و تعظیمی عبادت شمرده می شود که در برابر فردی که برای او مقام الوهیت قائل است و او را خدا می داند، شرک است. در مقاله گذشته اشاره کردیم که عبادت چه معنایی دارد و در چه صورت، عملی عبادت محسوب می شود. در غیر این صورت احترام و تعظیم در مقابل والدین، بزرگان و اساتید و امیران همه باید عبادت و در نتیجه شرک محسوب شوند.

پس احترام و تعظیم در برابر کسی که خدا او را بزرگ قرار داده، مانند انبیاء، اولیاء، علما و صالحین، عبادت نیست، بلکه چون خداوند آنها را بزرگ شمرده ما نیز او را بزرگ می شماریم در

نتیجه این کار به نوعی تعظیم و بزرگداشت خداوند است. مانند احترام به پدر و مادر، احترام و تعظیم به کعبه، مسجدالحرام، رکن، مقام، عرفات و نظایر آنها، همه اینها به اعتبار انتساب به خداوند محترم هستند. و همین طور است احترام و تعظیم پیامبران و اولیاء و صالحان، همان طور که در زمان حیاتشان شرک نیست بلکه از نظر آیات و روایات پسندیده است و در حال ممات و پس از مرگ هم تعظیم و تکریم ایشان دارای فضیلت است زیرا حرمت آنها با مرگشان از بین نمی رود. مالک در مناظره ای که با منصور دوانیقی در حرم رسول خدا(صلی الله علیه و آله) داشت گفت:

«انَّ حُرْمَةَ النَّبِيِّ مِثْلًا كَحُرْمَةِ حَيًّا؛ احترام پیامبر بعد از وفات، همانند احترام او در حال حیات است.<sup>4</sup>

جمله فوق به بحث توسل و حیات برزخی رسول خدا دلالت دارد و وهابی‌ها می گویند که: ما اعتقاد داریم که پیامبر در قبر، از حیات برزخی بالاتر از شهدا که قرآن به آن تصریح نمود، برخوردار است، زیرا آن حضرت از شهیدان، افضل است.<sup>5</sup>

پس با توجه به حقایق مربوط به حیات رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و لزوم احترام به آن حضرت، مکانی که در برگیرنده جسد انبیاء و اولیاست یعنی قبور آنان نیز در خور احترام و تکریم است و این احترام و اظهار محبت‌ها نظیر بوسیدن و دست کشیدن به قبور و مانند آن، عبادت آنها یا عبادت سنگ‌ها نیست و این اماکن به جهت این که مدفن انبیاء و اولیاء است شرف و حرمت پیدا کرده اند. و در خور تکریم می باشند. همانطور که جلد قرآن از هر جنسی که باشد، به علت مجاورت با قرآن باید محترم باشد و نباید آن را نجس نمود، چون توهین به قرآن محسوب می‌شود.

احترام و تعظیم در برابر کسی که خدا او را بزرگ قرار داده، مانند انبیاء، اولیاء، علما و صالحین، عبادت نیست، بلکه چون خداوند آنها را بزرگ شمرده ما نیز او را بزرگ می شماریم در نتیجه این کار به نوعی تعظیم و بزرگداشت خداوند است. آیا کسی احترام به مقام ابراهیم و تعظیم حجرالاسود و یا طواف کعبه را، عبادت سنگ‌ها، و آن اماکن می داند؟

3- تمام این امور از قبیل: طواف، لمس منبر و قبر و دیوار و... به قصد تبرک انجام می شود و در روایات اهل تسنن و تشیع و تاریخ وارد شده است که در صدر اسلام، مسلمانان به آبی که پیامبر با آن، دست خود را می شست یا مویی که از پیامبر ریخته می شد و یا به آب دهان آن حضرت تبرک می جستند. برای نمونه به بعضی از این موارد اشاره می کنیم:

- در سیره حلبیه آمده است:

عروة بن مسعود ثقفی در سال صلح حدیبیه نزد رسول خدا(صلی الله علیه و آله) ایستاده بود، ناگهان دید که اصحاب ایشان به خاطر تبرک جستن به آبی که پیامبر با آن وضو می گرفت و یا دست خود را می شست، بر هم سبقت گرفته و نزدیک بود برای دستیابی به آن آب، یکدیگر را بکشند و همین کار را با آب دهان حضرت انجام می دادند و نیز مویی از حضرت نمی افتاد مگر این که اصحاب آن را می گرفتند.<sup>6</sup>

- بخاری در باب صفة النبئی(صلی الله علیه و آله) از ابی جحیفه نقل می کند:

پیامبر در سفری به سوی وادی بطحاء (بیابان مکه) از منزل خارج شد، هنگام نماز، وضو گرفت و دو رکعت نماز ظهر و دو رکعت نماز عصر بجا آورد - تا آنجا که می گوید- آنگاه مردم، دست آن حضرت را گرفته و به صورتشان می مالیدند.

راوی می گوید: من نیز دست پیامبر را گرفته و به صورت خود می مالیدم که دست حضرت از برف خنک تر و از مشک خوش بو تر بود.

بخاری در پایان این باب، از همین راوی نقل می کند: بلال، باقی مانده آب وضوی رسول خدا را

برای مردم آورد و آنان از آن آب تبرک نمودند.<sup>7</sup>  
بخاری در باب استعمال فضل وضوء الناس، از ابی جحیفه نقل می کند: همراه رسول خدا در مسافرت بودیم، حضرت وضو گرفت و مردم از آب باقی مانده وضوی ایشان، می گرفتند و به خود می مالیدند.<sup>8</sup>

مالک در مناظره ای که با منصور دوانیقی در حرم رسول خدا(صلی الله علیه و آله) داشت گفت: «انَّ حُرْمَةَ النَّبِيِّ مِثْلًا كَحُرْمَةِ حَيًّا؛ احترام پیامبر بعد از وفات، همانند احترام او در حال حیات است.

مانند این روایت را بخاری در صحیح خود، «كتاب الصلاة» نیز آورده است و گفته است که مردم خود را به وضوی حضرت، مسح می کردند.<sup>9</sup>

و قسطلانی گفته است که از این عبارت، جواز تبرک جستن به چیزی که جسد صالحان را لمس کرده استنباط می شود.<sup>10</sup>

- مسلم در کتاب الصلاة از ابی جحیفه نقل می کند:

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) را در بیابان مکه ملاقات نمودم... وقتی بلال آب وضوی حضرت را آورد، مردم می شتافتند؛ بعضی به آب وضو می رسیدند و برخی نیز به دیگران، رطوبت آن آب را می رساندند و قطره هایی از آن را بر آنها می پاشیدند. و در حدیثی دیگر به همین صورت نقل می کند و می گوید: اگر کسی به آب نمی رسید، از رطوبت آب دست رقیقش می گرفت و به خود می مالید. نووی گوید: در این باب است، تبرک جستن به آثار صالحان و استفاده کردن باقی مانده آب وضو و غذای او و نوشیدنی ها و لباس هایشان است.<sup>11</sup>

- در جریان فتح مکه، داستان تبرک به وضوی پیغمبر(صلی الله علیه و آله) و سبقت گرفتن بر هم و نگاه نمودن ابوسفیان به این منظره و تعجب از آن، معروف است، که در کتاب های تاریخی ذکر شده است.

### تبرک جستن به منبر پیامبر

سمهودی در آداب روضه منوره و حرم پیغمبر(صلی الله علیه و آله) می نویسد:

یکی از آداب روضه منوره و حرم پیامبر اینست که نزد منبر شریف حضرت آمده و بایستد و خدا را بخواند و او را به خاطر این که در کارش آسانی قرار داده، حمد و سپاس گوید و بر رسول خدا درود فرستد و همه نیکی ها را از خدا بخواهد و به او پناه برد، همان طور که ابن عساکر گفته است. در ادامه آن اقصهری می گوید: مردانی از اصحاب رسول خدا را دیدم وقتی که در مسجد (پیامبر) بودند مانند رسول خدا قُبّه جلو منبر گرفته و رو به قبله ایستادند و دعا خواندند.

- عیاض در کتاب الشفاء از ابی قسط و عتبی می نویسد:

اصحاب رسول خدا همواره وقتی که در مسجد (پیامبر) بودند، قُبّه منبر را که به سمت قبر بود، با دستان خود می گرفتند و رو به قبله دعا می کردند.<sup>12</sup>

- ابوبکر اثرم می گوید: به ابوعبدالله (احمد بن حنبل) گفتم:

آیا لمس و مسح کردن قبر پیامبر جایز است؟ گفت: نمی دانم. گفتم: منبر چطور؟ گفت: آری، در این باره روایتی است که آن را از ابن ابی فدیك از ابن ابی ذئب از ابن عمر نقل می کنند که او (ابن عمر) منبر را مسح می کرد.<sup>13</sup> - در فصلی از کتاب شرح الکبیر چنین آمده است که می گوید: در باره مسح کردن منبر، روایتی وارد شده است که آن را ابراهیم بن عبدالله بن عبدالقاری نقل کرده و در آن آمده که او، ابن عمر را دید که به جایگاه نشستن پیامبر روی منبر، دست گذاشت، سپس دستش را بر صورت نهاد.<sup>14</sup>

**نتیجه:**

با مطالعه این روایات که از کتب معتبر اهل تسنن استخراج شده دریافتیم که:  
1- بر خلاف نظر وهابی‌ها، تبرک جستن به پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) هیچ منافاتی با توحید ندارد و اگر فقط به عنوان تبرک این اعمال انجام شود، هیچ نوع شرکی را به همراه نخواهد آورد. و مسلم است که هیچ مسلمانی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را با دیدی غیر از نگاه پیامبری نمی‌نگرد و اگر این همه محترم است به جهت پیامبری ایشان است و این که مورد رضایت خدای متعال می‌باشد.

2- این روایات از منابع اهل تسنن استخراج شده است و اگر فردی از این فرقه، به این روایات عامل نباشد دچار تفریط شده است و کسی نمی‌تواند شیعیان را متهم نماید که این افکار و اعتقادات مختص به شیعیان است.

3- این مسئله واقعیتهای است که باید به آن توجه نمود که اگر تبرک به آب وضو و آبی که روی دست پیامبر ریخته می‌شد و موی پیغمبر جایز نبود؛ یقیناً رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در زمان حیات خود مردم را از این اعمال نهی می‌فرمود.

4- قهراً تبرک به قبری که همه جسم پیامبر را در برگرفته است نیز باید جایز باشد، چون معیار در تبرک چیزی است که به پیغمبر وابسته بوده و به بدن مطهر و مبارک آن حضرت به نوعی چسبیده و مرتبط بوده است، مانند لباس و مو و نظایر آن و با توجه به این که قبر در برگرفته بدن مطهر آن حضرت است، خصوصاً با توجه به این که خود وهابی‌ها می‌گویند که پیغمبر در قبر به گونه‌ای است که احساس دارد... پس تبرک جستن به قبر، چه با مالیدن دست باشد و چه بوسیدن و چه طواف در اطراف آن، اینها تبرک به بدن پیغمبر است نه عبادت آن حضرت و یا سنگ، آجر و... .

#### پی نوشت:

1- کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، سیدمحسن امین، ص 341.

2- کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، سیدمحسن امین، ص 341.

3- حج/32.

4- تبیین باورهای شیعی، ج 3، ص 61.

5- رسائل الهدیة السنّیه، ص 41 به نقل از کشف الارتیاب، ص 110.

6- سیره حلبیه، ج3، ص 15.

7- صحیح بخاری، ج4، ص 229-231.

8- صحیح نجاری، ج1، ص 58-59.

9- صحیح بخاری، ج1، ص 134.

10- ارشاد الساری، ج1، ص 467.

11- صحیح مسلم با شرح نووی، ج4، ص 218-220.

12- وفاء الوفا، علی بن عبدالله سمهودی، ج4، ص 1401.

13- وفاء الوفا، ج4، ص 1403.

14- عبدالرحمان بن قدامه، الشرح الکبیر، ج 3، ص 496